

بررسی جایگاه کتاب نقض در فرهنگ ایرانی - اسلامی

باقر قربانی زرین*

کتاب «نقض» معروف به بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض از تصانیف حدود ۵۶۰ ه. ق. تألیف نصیرالدین ابو رشید عبدالجلیل قزوینی رازی (در گذشته سده ۶ ه. ق.) است.

قدیم‌ترین کسانی که به شرح حال و آثار او اشاره کرده‌اند یکی شیخ منتخب‌الدین علی بن بابویه رازی (در گذشته سده ۶ ه. ق.) در کتاب معروف خود الفهرست^۱ و دو دیگر، عبدالکریم رافعی قزوینی (در گذشته ۶۲۳ ه. ق.) در التدوین فی اخبار قزوین است که شیرین سخنی او را ستوده و تصریح کرده که واعظی شیعی و ساکن ری است.^۲

شیخ منتجب‌الدین، علاوه بر ذکر شرح حال عبدالجلیل قزوینی رازی - که در برخی از کتابهای علم رجال و شرح احوال، همچون تنقیح المقال فی علم الرجال^۳ از مرحوم علامه

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۱. منتخب‌الدین، علی بن بابویه رازی، الفهرست، تحقیق و مقدمه از دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی،

چاپ کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۸۷.

۲. رافعی قزوینی، عبدالکریم، التدوین فی اخبار قزوین، تحقیق شیخ عزیز الله عطاردی، مرکز فرهنگی خراسان

۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۵۳۶.

۳. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی، نجف اشرف، ۱۳۵۰ ق. ج ۲، ص ۱۳۴.

مامقانی و معجم رجال الحديث^۱ از مرحوم علامه خوئی و ریاض العلماء^۲ از مرحوم افندی اصفهانی بعینه آمده - در شرح حال برخی دیگر از دانشمندان، از عبدالجلیل قزوینی رازی مطالبی در فهرست نقل کرده است. از جمله در شرح حال معین الدین عجللی^۳، استاد عبدالجلیل؛ و زین الدین امیره بن شرف شاه حسینی^۴، قاضی قم. جالب آنکه در شرح حال حسینی جلیلی گفته که وی نخست زیدی مذهب بوده و به دست عبدالجلیل، مستبصر گشته است.^۵

مؤلف در دیباچه کتاب نقض اشاره می کند که پس از ربیع الاوّل سال ۵۵۶ هـ. ق. به دنبال نسخه ای از کتاب «بعض فضائح الروافض»، بود که در ردّ بر مذهب شیعه نگاشته شده و تحریفات و مطالب نادرست به شیعه نسبت داده بود، تا اینکه پس از مدتی دراز، یکی از بزرگان شیعه، نسخه ای از کتاب را بیافت و برای عبدالجلیل فرستاد و او از آن هنگام به تألیف کتاب نقض مشغول گشت^۶. سپس در بخش دیگری از دیباچه کتاب می گوید: «عقل چنان اقتضا کرد که اگر چه تقرّب در آن به خدای بی عیب و عار و به احمد مختار و حیدر کّرار باشد، دیباچه کتاب باید به اسم امام روزگار، خاتم الأبرار مهدی بن الحسن العسکری - علیه و علی آباءه الصلاة والسلام - باشد که وجود عالم را حوالت به بقای اوست و عقل و شرع منتظر حضور و ظهور و لقای او... و به اقبال آن امام همام - علیه السلام - این کتاب بر وجهی مرتّب شد که خواص را دافع شبهات باشد و عوام را مثمر دلالات، به عبارتی سهل و آسان نه بر قاعده دیگر مصنّفات ما... تا هر خواننده که

۱. خوئی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث، قم، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ ج ۹، ص ۲۵۵ - ۲۵۶.

۲. افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق. ج ۳، ص ۷۱.

۳. منتجب الدین، همان، ص ۳۵.

۴. همان منبع، ص ۳۶.

۵. همان، ص ۱۲۸. برای دیگر موارد نک: همان، بخش فهراس، ص ۵۱۰ ذیل عنوان «عبدالجلیل بن... رازی»، و ص ۵۶۲، ذیل عنوان «النقض».

۶. قزوینی رازی، عبدالجلیل، کتاب نقض، به تصحیح جلال الدین محدّث ارموی، از انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۸ ش، ص ۲ - ۵.

بخواند و هر نویسنده که بنویسد و هر شنونده که بشنود از آن بهره تمام برگیرد و فایده بسیار حاصل کند»^۱.

هرچند کتاب بعض فضائح الروافض به دست ما نرسیده ولی شیوه عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب نقض آن است که نخست عین مطلب را از کتاب بعض فضائح الروافض نقل کرده، سپس به نقد آن می‌پردازد.

کتاب نقض از جایگاهی بس بلند در فرهنگ ایرانی-اسلامی برخوردار است؛ زیرا تألیف آن، چند دهه پیش از حمله مغول بوده است، و از معدود آثاری است که پس از حمله ویرانگر مغول برجای مانده است.

آشنایی برخی از دانشمندان معاصر نظیر مرحوم علامه محمد خان قزوینی پیش از انتشار کتاب نقض، از طریق کتاب مجالس المؤمنین بوده است. قاضی نور الله شوشتری (شهید به سال ۱۰۱۹ ه. ق.) پس از ذکر شرح حال کوتاهی^۲ از عبدالجلیل قزوینی رازی، قسمتهای گوناگونی را از کتاب نقض بازگو می‌کند و در موارد متعددی به گفته‌های آن کتاب استشهد می‌جوید^۳، که بنابر تتبع مرحوم علامه قزوینی ۲۴ یا ۲۵ مرتبه از کتاب نقض اقتباس نموده، گاه بسیار مطول، قریب شش هفت صفحه بزرگ و گاه یکی دو صفحه و گاه یکی دو سه جمله»^۴.

چاپ نخست کتاب نقض در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در ۷۴۰ صفحه متن، ۱۵ صفحه مقدمه و سه صفحه خاتمه و از روی ۵ نسخه خطی به کوشش و با تعلیقات مرحوم محدث ارموی به چاپ رسید و چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۸ خورشیدی و با مقابله ۸ نسخه^۵ و فهرستهای ۱۲ گانه مشتمل بر ۸۰۲ صفحه به ضمیمه دو جلد تعلیقات نقض، مجموعاً در ۲۴۷۰ صفحه به چاپ رسید.^۶

۱. همان منبع، ص ۶-۷.

۲. شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، کتابفروشی اسلامیة، تهران ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۳.

۳. از جمله نک: همان، ج ۱، ص ۴۸۴-۴۸۹؛ ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴، ۵۳۰ و موارد دیگر.

۴. قزوینی، محمد، مقالات قزوینی، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۱۲۶.

۵. برای معرفی نسخه‌ها نک: نقض، ص بیست و هفت تا چهل و پنج.

۶. همان، «سراغاز» انجمن آثار ملی (بدون شماره صفحه!)

در این نوشتار برخی از ویژگیهای بارز کتاب نقض، نقل و تحلیل می شود که خود شامل چند بخش است:

۱. بارزترین ویژگی این کتاب، یکی در مباحث کلامی است که به جهت پاسخگویی گفته شده است، و در طی آن اصول مذهب شیعه بطور مستدل، تبیین گشته است؛ از جمله مباحث ذیل:^۱

- ۱/۱. مبحث جبر و تشبیه (ص ۸ - ۱۰)
 - ۱/۲. مبحث تقیّه (ص ۱۹ - ۲۰ و ۴۶۱ - ۴۶۲)
 - ۱/۳. مبحث اجماع (ص ۵۸ - ۶۰)
 - ۱/۴. بحث جنّ و شیطان (ص ۷۱ - ۷۳)
 - ۱/۵. مسأله امامت حضرت مهدی علیه السلام و قیام آن حضرت (ص ۲۶۷ - ۲۷۱، ص ۳۴۳ - ۳۴۶ و ۴۶۳ - ۴۷۲)
 - ۱/۶. صفات باری تعالی (ص ۴۸۳ - ۴۸۵)
 - ۱/۷. مسأله رؤیت پروردگار (ص ۴۸۵ - ۴۸۶)
 - ۱/۸. کفر و ایمان (ص ۴۸۹)
 - ۱/۹. قضا و قدر (۴۵۹ - ۴۹۸)
 - ۱/۱۰. توفیق و خذلان (ص ۵۰۱ - ۵۰۳)
 - ۱/۱۱. ایمان حضرت ابوطالب، عموی پیامبر (ص) (ص ۵۱۰ - ۵۱۴)
 - ۱/۱۲. مبحث زیارت (ص ۵۸۸ - ۵۹۰)
 - ۱/۱۳. مبحث شفاعت (ص ۵۹۶ - ۵۹۷)
 - ۱/۱۴. مبحث امامت پس از وفات پیامبر اکرم (ص) (ص ۶۰۲ - ۶۱۰)
- با ملاحظه این مباحث که مشتق از خروار است و عسری از اعشار، می توان حکم کرد

۱. ارجاع صفحات در این بخش، به کتاب نقض، چاپ پیش گفته است. ای کاش برای مباحث کتاب نیز فهرستی تنظیم می شد. اینجانب برای یافتن مباحث کتاب، تمام آن را مطالعه و یادداشت برداری کردم.

که «این کتاب حَقاً از جمله کتب پر ارزش در کلام شیعه محسوب می‌تواند شد».^۱

۲. تفسیر برخی آیات قرآن: در کتاب نقض، چندین آیه قرآن و مضامین کلی برخی سوره‌ها تفسیر و تبیین گشته و دیدگاه‌های مفسران شیعه مطرح شده است، و گاه طرح این مباحث در کتاب نقض به شکل تطبیقی و مقارنه‌ای با تفاسیر اهل سنت صورت پذیرفته است که برای تفصیل می‌توان به بخش فهرس کتاب، فهرست آیات قرآنی^۲ و صفحات مربوط به آنها در کتاب مراجعه کرد.

۳. مباحث مربوط به ملل و نحل: مؤلف در ضمن طرح مباحث کلامی، به معرفی برخی مکتب‌های کلامی و عقاید آنان نیز پرداخته است^۳ که در حوزه «ملل و نحل» جای دارد از جمله:

۳/۱. اسماعیلیه و باطنیان (ص ۷۷، ۸۰-۸۱، ۱۲۸، ۳۰۹-۳۱۷ و ۴۳۳)

۳/۲. اخباریان (ص ۳، ۲۸۲، ۵۲۹ و ۵۶۸)

۳/۳. زیدیه (ص ۲۷، ۴۵۸، ۴۵۳، ۵۵۷، ۵۶۰ و ۵۸۶)

۳/۴. مذاهب اهل سنت (حنبلی، حنفی، شافعی، مالکی؛ ص ۲۳۶، ۴۴۹-۴۵۱،

۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۵۲ و بسیاری صفحات دیگر)

۳/۵. اشاعره (ص ۱۴۳، ۴۴۹، ۴۵۷، ۵۰۶، ۵۵۰ و ۵۵۲)

۳/۶. حشویه (ص ۳ و ۵۲۹)

۳/۷. کلابیه (ص ۴۵۷ و ۵۵۰)

۳/۸. کرامیه (ص ۲۶ و ۲۷۲)

۳/۹. خوارج (ص ۲۶۴، ۳۰۸، ۴۳۹، ۵۵۰، ۵۷۲ و ۵۹۲)

۳/۱۰. حلولیه (ص ۱۸ و ۵۴۵)

۱. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۶۳، ش. ۲، ص ۲۶۶.

۲. کتاب نقض، ص ۶۵۱-۶۵۶.

۳. برخی مقالات مستقل نیز در این زمینه با استفاده از کتاب نقض تألیف شده است، از جمله نک: صفا، ذبیح الله، مقاله «فرق شیعه در ایران»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۴، ش ۲، دی ماه ۱۳۳۵، ص ۱-۴۱.

۳/۱۱. مجبّره و مُشَبَّه (ص ۱۸، ۴۵۷، ۵۵۰ و ۵۹۶)

۳/۱۲. معتزله (ص ۲۶-۲۷، ۲۵۳-۲۵۴، ۴۵۸ و ۴۸۲-۴۸۳)

۴. جایگاه ادبی کتاب نقض:

این کتاب، یادگاری از نثر فارسی سده ششم هجری است که به قول مؤلف آن «به عبارتی سهل و آسان»^۱ تألیف یافته است. به تعبیر زنده یاد استاد دکتر زرین کوب «این کتاب منبع نفیسی است برای لغات، امثال و کنایات زبان فارسی».^۲ از این رو در تنظیم لغت نامه دهخدا به متن کتاب نقض و واژه‌های آن اشارت رفته است.^۳ مرحوم استاد جلال‌الدین همایی نیز در تعلیقات دیوان عثمان مختاری، به کتاب نقض، استشهاد جسته است.^۴ کتاب نقض در شرح حال برخی شاعران از قدیم‌ترین منابع موجود به شمار می‌رود، از جمله در شرح حال بندار رازی، سنائی غزنوی و قوامی رازی.^۵ به تعبیر استاد زنده یاد عباس اقبال آشتیانی: «این کتاب اگر چه مذهبی و در نقض یکی از علمای سنت است که بر شیعه تاخته، لیکن از آن لحاظ که یکی از متون قدیم فارسی است که فقط چند سالی بعد از چهار مقاله نظامی عروضی و مقامات حمیدی تألیف شده و مشتمل بر بسیاری از مطالب مهم تاریخی و ادبی است، نسخه‌ای بسیار نفیس و گرانبهاست».^۶ اقبال آشتیانی در جای دیگر، زبان کتاب را «فارسی بسیار فصیح»^۷ معرفی کرده است. مرحومان علامه قزوینی و سعید نفیسی نیز کتاب نقض را «دارای فواید بسیار و به زبان

۱. کتاب نقض، ص ۷.

۲. زرین کوب، عبدالحسین، مقاله «کتاب النقض»، مجله سخن، دوره چهارم، ش ۳، بهمن ۱۳۳۱، ص ۲۳۹.

۳. برای نمونه نک: دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۸، ذیل واژه «شاعی».

۴. عثمان مختاری، دیوان، با تصحیح و تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۴۱ ش، ص ۴، پاورقی ۲.

۵. برای برخی اطلاعات درباره بندار رازی نک: نقض، ص ۲۱۹، ۲۲۵؛ برای سنائی غزنوی نک: ص ۲۳۲؛ برای قوامی رازی نک: ص ۲۲۴-۲۲۵، ۲۳۲ و ۵۷۷.

۶. اقبال آشتیانی، عباس، مقاله «بندار رازی یکی از قدیم‌ترین شعرای پهلوی زبان»، مجله مهر، سال ۷، مهرماه ۱۳۳۱، ص ۳۱.

۷. اقبال آشتیانی، عباس، مقاله «قوامی رازی»، مجله یادگار، سال دوم، شماره اول، شهریور ۱۳۲۴، ص ۶۸.

فارسی بسیار شیرین سلیس، روان و دلکش» دانسته و وصف کرده‌اند.^۱ در بحث از سبک نگارش کتاب نقض نیز باید گفت که این کتاب حدّ فاصل میان نثر مرسل و نثر مصنوع است، بدین معنا که ترکیب کلمات، دور از دشواری‌های نثر مصنوع است، لیکن از خصائص آن اطناب و ایراد مترادفات و آوردن سجعیهای ساده و گاه مکرّر است.^۲

از جمله در این عبارت از کتاب نقض: «شیعت دعوی ظهور رایت مهدی امت، صاحب الزمان از مکه و کعبه گویند که حرم خدا و قبله انبیاست، و مولودگاه سید اوصیاست که پدید آید، و مسیح مریم از آسمان به زمین آید، و آوازه آیت «و قل جاء الحق و زهق الباطل» از آسمان هفتمین آید، و ناصرش ربّ العالمین و جبرئیل امین آید، و آن محمدی عصمت علوی شجاعت، تیغ برگیرد و عالم بگشاید.»^۳ در پاره‌ای از موارد هم شیوه بیان کتاب نقض چونان شیوه بیان و عاظ گشته که نثری شبیه به نثر مسجع و یا نثر موزون است ولی این گونه موارد کمیاب است. اگر چه لحن نویسنده کتاب بر اثر استدلال و استشهاد به احادیث و اخبار و روایات در برخی موارد خشک است، اما در پاره‌ای موارد هم که در راه دفاع از هم کیشان خود گرم رو می‌شود، نفسی مؤثر و کلامی جالب و دل‌انگیز می‌یابد. ولی به حکم عادت اهل زمان، نفوذ زبان عربی و حتی قواعد دستوری عرب از قبیل استعمال صفات مؤنث برای موصوف جمع، در این کتاب بسیار مشهود است، مانند «کتب اصولیه اثنی عشریه».^۴

دیگر نکته بارز در کتاب نقض، استشهاد مؤلف آن به اشعار و امثال تازی و فارسی است که شامل دهها بیت و ضرب‌المثل است.^۵ و در این میان برخی ابیات نیز برای

۱. نک: مقالات قزوینی، پیش‌گفته، ج ۵، ص ۱۱۲۹؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، کتابفروشی فروغی، تهران ۱۳۴۴ ش، ج ۱، ص ۱۲۵.
 ۲. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، پیش‌گفته، ج ۲، ص ۸۸۱.
 ۳. کتاب نقض، ص ۴۷۷؛ صفا، همان، ج ۲، ص ۸۸۴.
 ۴. صفا، همانجا، ج ۲، ص ۹۸۶ - ۹۸۷.
 ۵. برای آگاهی از آنها، نک: کتاب نقض، بخش فهرستها، ص ۶۶۲ - ۶۷۰.

نخستین بار در این کتاب آمده‌اند، از جمله دو بیت از متنبی که در دیوان او نیست، ولی در این کتاب به چشم می‌خورد.^۱ و از این حیث گنجینه‌ای ارزشمند است. به تعبیر استاد دکتر صفا. «از جمله متون خوب نثر پارسی در قرن ششم و در زمره کتب درجه اول آن قرن است».^۲

۵. مباحث رجالی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی در کتاب نقض:

از مباحث جالب کتاب، اطلاعات قابل توجهی است که درباره رجال و شاعران و عالمان سده ششم هجری، چه در منطقه ری، و چه در ایران زمین به دست می‌دهد، و به علاوه مشتمل بر اسامی بلاد و محلات و اطلاعات جالبی درباره آنهاست.

از جمله این مباحث، توضیحاتی است که مؤلف کتاب نقض درباره قطب الدین ابومنصور مظفر بن اردشیر عبّادی، واعظ مشهور و در گذشته سال ۵۴۷ ه. ق. داده است: قوه نطق او تا بدان حدّ بود که خلیفه عباسی المقتدی لأمر الله را مجذوب خود ساخت. زنده‌یاد استاد مجتبی مینوی در شرح حال عبّادی در یادداشتهای خود از کتاب نقض نیز استفاده کرده است.^۳ عبدالجلیل قزوینی رازی از عبّادی با عنوان «امیر عبّادی» نام برده و دفاع او را از عزاداری روز عاشورا و نفرین برخاندان معاویه در حضور خلیفه المقتدی لامرالله بیان کرده است.^۴ نیز در کتاب نقض از برخی خاندانها و آبادانی‌ها و مساجد و مدارس ایشان نام برده شده است؛ از جمله خاندان رضی الدین ورامینی.^۵ اطلاعات تاریخی کتاب نیز درخور توجه است؛ از جمله اطلاعاتی که درباره اتابکان به دست می‌دهد.^۶

اتابیک (= اتابک) لقبی بود که از اوایل دوره سلجوقی به کسانی که مأمور تربیت و مراقبت و تمشیت امور شاهزادگان بودند، داده می‌شد و این اتابکان، حمایت آن کودکان را

۱. کتاب نقض، ص ۵۴۳-۵۴۴.
۲. صفا، همان، ج ۲، ص ۹۸۷.
۳. مینوی، مجتبی، یادداشتهای مینوی، جلد اول: رجال - روش تحقیق، به کوشش مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۴۵.
۴. کتاب نقض، ص ۳۷۱-۳۷۲.
۵. نک: همان، ص ۲۰۰، ۲۲۲، ۴۵۱، ۵۷۹.
۶. نک: همان، ص ۵۲.

از هر حیث برعهده می‌گرفتند، و همین امر به تدریج موجب دخالت آنان در امور می‌شد.^۱ از دیگر اطلاعات ارزشمند کتاب نقض، معرفی مدارس و کتابخانه‌هایی است که در مراکز مختلف علمی دایر بوده است. افزون بر مدارس اهل سنت و جماعت، شیعه نیز در مناطق ری، قزوین، قم، آوه، مازندران، کاشان و نیز در نواحی بیهق و سبزوار، مدارس و کتابخانه‌های معتبری داشتند. به تعبیر استاد همایی^۲ بهترین سندی که در این باره اطلاع صحیح به ما می‌دهد، کتاب نقض است که به قسمتی از مدارس شیعه امامیه در بلاد اسلامی از خراسان و ماوراءالنهر و عراق و شام و غیره اشاره کرده است.^۳

اطلاعات جغرافیایی کتاب نیز بسیار ارزشمند و سندی ارجمند است؛ از جمله اطلاعاتی که درباره شهرهایی چون قم، کاشان، آبه، ورامین، ساری، اُرم و سبزوار^۴ به دست می‌دهد.

از دیگر فواید جغرافیایی کتاب ذکر باروها، قلعه‌ها، دژها، کاروانسراها و برخی قریه‌ها و مناطق است؛ از جمله^۵: باروی قم و ری (ص ۲۱۹)، قلعه ارژنگ (ص ۵۴۸)، دژ بالیس (ص ۴۸۰)، کاروانسرای کوشک (ص ۳۷۲)، برزاد (قریه‌ای در ری، ص ۴۲۱) و چال گاوآنان (ص ۳۰۵).

عبدالجلیل قزوینی رازی در صفحاتی از کتاب نقض به ذکر بزرگان، اعیان و دانشمندان شیعه در شعب مختلف علمی پرداخته و از اصحاب، راویان، مصنفان و مؤلفان، مفسران، متکلمان، فقیهان، ائمه قرائت، زاهدان، عابدان، اهل اشارت و موعظت، ائمه لغت و ادبیات، شاعران، سلاطین و جهان‌نمان، وزیران، خواجگان (= بزرگان و رؤسایان)، سادات و نقیبان نام برده است.^۶

۱. صفا، همان، ج ۲، ص ۲۶.

۲. همایی، جلال‌الدین، تاریخ علوم اسلامی (تقریرات استاد همایی)، نشر هما، تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۴۰-۴۱.

۳. برای تفصیل نک: کتاب نقض، بخش فهارس، فهرست امکانه، ص ۷۱۵-۷۱۷، ذیل عنوان «کتب خانه»

و «مدرسه». ۴. نک: همان، ص ۱۹۴-۲۰۲.

۵. ارجاع به صفحات در این قسمت به کتاب نقض است. ۶. کتاب نقض، ص ۲۰۷-۲۳۳.

با مطالعه کتاب نقض، برخی مسائل اجتماعی سده ششم و چگونگی زیستن مردم، فرهنگ عامه (فولکلور) و آداب و سنن آنان روشن می‌گردد که از این حیث نیز این کتاب منبعی بس ارزشمند است. در سخنان زنده یادان استادان علامه قزوینی، دکتر صفا و دکتر زرین کوب، اشارتهای زیبایی بر این مسأله رفته که به جهت پرهیز از اطاله، جویندگان را بدان سخنان ارجاع می‌دهیم.^۱

۶. مباحث فقهی در کتاب نقض:

از آنجا که کتاب نقض در پاسخ ایرادات و اتهامات متعصبانه بر شیعه نگاشته شده و بخشی از آن ایرادات درباره مباحث فقهی بوده است، کتاب نقض هم حاوی بسیاری از مباحث فقهی گشته و از این جهت نیز منبعی قابل مراجعه است. از جمله این مباحثند: جهر به بسم الله؛ انگشتر در دست کردن (= تَخْتَم)؛ تکبیر نماز میت؛ فروگذاشتن دست در نماز؛ وضو و...^۲

مرحوم محدث قمی پس از آوردن شرح حال کوتاهی از عبدالجلیل قزوینی رازی^۳، عباراتی را از صاحب جواهر نقل کرده است.

صاحب جواهر الکلام (شیخ محمد حسن نجفی) در بحث استحباب تکبیرهای سه گانه در تعقیب نمازها به جمله‌ای از کتاب نقض استشهاد کرده است.^۴

۷. نقد و نقّادی

و بالاخره از مباحث بسیار مهم، بررسی جایگاه کتاب نقض در حوزه «نقد و نقّادی» است. عبدالجلیل قزوینی رازی کوشیده تا مطالب خود را به طور مستدل و استوار بیان کند و به اصطلاح، «دعوی بی‌نیّت» نکند و در این راه، نکته‌جویی‌ها و ژرف‌بینی‌های

۱. به ترتیب نک: قزوینی، همان منبع، ج ۵، ص ۱۱۲۶؛ صفا، همان، ج ۲، ص ۹۸۶؛ زرین‌کوب، همان منبع، ص ۲۳۹.

۲. برای نمونه نک: کتاب نقض، ص ۴۲۲ - ۴۲۹.

۳. قمی، عباس، فوائد الرضویة، از انتشارات کتابخانه مرکزی [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۲۳ - ۲۲۴.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، به تحقیق عباس قوچانی، بیروت ۱۹۸۱، ج ۱۰، ص ۴۰۹؛ نیز نک: تعلیقات نقض، ج ۲، ص ۱۲۶۵ - ۱۲۶۶.

فراوانی نیز از خود نشان داده و باعث شده که کتاب نقض از حیث استدلال و در مقام جدل، متقن و استوار و در سیر نقدنویسی در زبان فارسی نیز اثری تأثیرگذار باشد.^۱

پس از چاپ کتاب نقض و همراه با چاپ دوم متن کتاب، تعلیقات مرحوم میر جلال‌الدین محدث ارموی نیز به چاپ رسید که به گفته فرزند مؤلف، آقای علی محدث، نتیجه تحقیقات و تتبعات بیش از ۳۰ سال از عمر مؤلف ارجمند آن می‌باشد.^۲ به تعبیر استاد زرین کوب: «آقای سید جلال محدث بحق می‌بایستی عهده‌دار تصحیح و طبع این کتاب باشند؛ زیرا اطلاعات ایشان درباره مذهب شیعه و اخبار و احادیث و اصول و رجال آن به اندازه یک متخصص فن می‌باشد. این است که پاورقی‌های کتاب، مملو است از اطلاعات بسیار گرانبها و نفیسی که محشی فاضل پس از تحمّل رنج بسیار به دست آورده و در آن ثبت کرده است.»^۳ استاد زرین کوب نکاتی را نیز به مصحح محترم تذکر داده و اصلاحاتی را پیشنهاد کرده و برخی اغلاط متن و حواشی را تذکر داده بودند^۴ که در چاپ دوم کتاب نقض، جملگی اصلاح و اعمال شده‌اند و چه خوب بود که نامی هم از دکتر عبدالحسین زرین کوب در چاپ دوم کتاب و تعلیقات برده می‌شد، ولی افسوس که چنین نشد. به هر حال سخن از تعلیقات نقض بود که تألیفی سترگ است و در این نوشتار بخشی از مطالب فراوان و ارزشمند آن معرفی می‌گردد.^۵

الف) مباحث دستور زبان فارسی:

۱. درباره «هر» (ج ۱، ص ۱-۵) در عبارت «هر جواهر محامد»

۱. برای تفصیل در این زمینه نک: ستاری، جلال، مقاله «نگاهی به نقد نویسی در ایران» چاپ شده در مجموعه مقالات، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۰۸-۲۰۹.
۲. محدث ارموی، میرجلال‌الدین، تعلیقات نقض، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۸ ش، ج ۱، صفحه بیست و یک.
۳. زرین کوب، همان، ص ۲۳۹.
۴. همان منبع پیش گفته، ص ۲۳۹-۲۴۱.
۵. ارجاع به صفحات در متن مقاله به تعلیقات نقض، با مشخصات پیش گفته است.

۲. به کار بردن صیغه فعل مفرد مخاطب به جای جمع مخاطب (ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۵)
۳. جمع کردن دو یا سه ادات تعلیل برای افاده معنی تأکید (ج ۱، ص ۶۴-۶۶)
۴. الحاق «ها» به اول برخی افعال، مانند: هاگیر (ج ۲، ص ۱۰۵۳-۱۰۵۴)
۵. به کار رفتن «زیادت» با یاء مصدری (ج ۲، ص ۱۱۸۰-۱۱۸۱)
۶. ازین، بودمانی، کردمانی (ج ۲، ص ۱۳۰۲-۱۳۰۴)

ب) مباحث لغوی:

۱. واژه مصوّر (ج ۱، ص ۴۳-۴۴)
۲. به کار رفتن «نص» در معنای «منصوص علیه» (ج ۱، ص ۸۳-۸۵)
۳. تحقیق درباره دو کلمه «ملاطفه» و «بویح» (ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴)
۴. در بیان معنی «کتامه» و «لاعه» و «سجلماسه» (ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۹)
۵. واژه «انزله کردن» (ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۱)
۶. خوضه مفرد (ج ۲، ص ۱۱۲۸-۱۱۲۹)
۷. معدّل و مزگی (ج ۲، ص ۱۱۲۸-۱۱۲۹)
۸. عبره کردن = عبر کردن (ج ۲، ص ۱۱۹۹)

ج) مباحث ادبی:

۱. تحقیق در مصراع «وشتان ما بین البصیره والعمی» (ج ۱، ص ۳۰۷-۳۰۹)
۲. قطعه اییاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام (ج ۱، ص ۳۶۷-۳۷۰)
۳. «شعراء متقدمان و متأخران از تازیان و پارسیان» (ج ۲، ص ۸۵۸-۱۰۱۲)
۴. بحث در چند شعر (ج ۲، ص ۱۲۳۳-۱۲۳۴)
۵. بررسی اییاتی از متنّبی (ج ۲، ص ۱۲۵۰-۱۲۵۱)
۶. «عند» در کتب قدیمه (ج ۲، ص ۱۳۴۵-۱۳۴۶)

د) تحقیق در امثال کتاب نقض:

۱. اذالم تستحی فاصنع ما شئت (ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴)
۲. بغداد کم زنبیلی گیر (ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴)
۳. ریش پالان کردن (ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۶)
۴. پست خوردن و نای زدن به هم راست نیاید (ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۴)
۵. مار شدن مور (ج ۲، ص ۱۱۶۸-۱۱۶۹)

ه) مباحث تفسیری:

۱. تفسیر آیه «وعد الله الذین آمنوا منکم و...» (ج ۱، ص ۱۸-۲۳)
۲. تفسیر آیه «بلغ ما انزل الیک» (ج ۱، ص ۳۷۱-۳۸۲)
۳. تفسیر آیه «فريقاً کذبتم و فريقاً تقتلون» (ج ۲، ص ۱۰۳۴-۱۰۳۵)
۴. تفسیر آیه «احلّ لکم...» (ج ۲، ص ۱۲۲۵-۱۲۲۶)

و) مباحث کلامی:

۱. بحث در صفات خدا (ج ۱، ص ۲۳-۲۹)
۲. تنزیه انبیاء (ج ۱، ص ۲۹-۴۳)
۳. درباره مشبهه و مجسمه (ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۵)
۴. ایمان حضرت ابوطالب (ج ۱، ص ۱۹۰-۲۰۲)
۵. علم غیب انبیاء و ائمه علیهم السلام (ج ۲، ص ۱۰۳۷-۱۰۴۰)
۶. مسأله حالت و احوال (ج ۲، ص ۱۱۸۳-۱۱۹۶)

ز) مباحث حدیث شناسی:

۱. تحقیق در مجعول بودن چند حدیث (از جمله درج ۱، ص ۴۴-۵۰)

۲. حدیث منزلت و اخوت (ج ۱، ص ۳۵۴-۳۶۲)
۳. حدیث سواء علی من خالف... (ج ۲، ص ۱۰۲۱-۱۰۲۶)
۴. حدیث کانا امامین سیدین... (ج ۲، ص ۱۰۳۴)
۵. حدیث من کذب علی متعمداً... (ج ۲، ص ۱۱۲۶-۱۱۲۷)
۶. حدیث «ما ابطأ عنی الوحی...» (ج ۲، ص ۱۱۳۴-۱۱۳۵)
۷. حدیث قضا و قدر (ج ۲، ص ۱۱۸۱-۱۱۸۳)
۸. مجموعاتی منسوب به پیامبر درباره بنی عباس (ج ۲، ص ۱۱۹۶-۱۱۹۸)
۹. حدیث «انا شجرة الهدی...» (ج ۲، ص ۱۲۳۵-۱۲۳۶)

ح) مباحث کتابشناسی:

۱. شرح برخی کتابهای شیعه (ج ۱، ص ۱۰۱-۱۲۳)
۲. کتاب فتوح اعثم کوفی (ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳)
۳. کتاب الدرجات شیخ ابو عبدالله بصری (ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۶)
۴. کتاب «موافقة الصحابة» (ج ۲، ص ۱۳۹۴)

ط) مباحث مربوط به ملل و نحل:

۱. فرقه لاسکیان (ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۷)
۲. فاطمیان مصر (ج ۲، ص ۱۰۶۴-۱۰۶۷)
۳. مفوضه (ج ۲، ص ۱۲۴۴)
۴. غرایبه (ج ۲، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۵)

ی) مباحث جغرافیایی:

۱. ایلاق (ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸)

۲. سُرو طهران (ج ۲، ص ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹)
 ۳. برزاد، فرزاد، فرح زاد (ج ۲، ص ۱۱۲۹ - ۱۱۳۱)
 ۴. دژ بالیس = فالیس (ج ۲، ص ۱۱۶۹ - ۱۱۷۴)
 ۵. قلعه ارژنگ (ج ۲، ص ۱۲۵۸ - ۱۲۵۹)
 ۶. چال گاوآنان (ج ۲، ص ۱۳۹۰)
- و بسیاری از مباحث رجالی و تاریخی که بر شمردن آنها موجب اطاله سخن می شود و با مراجعه به متن کتاب نقض و تعلیقات نقض، بزرگی کار مؤلف و مصحح دانسته می شود.

هرکس ز دیار آشنایی است داند که متاع ما کجایی است

با ذکر این دو بیت مشهور از باخرزی، نوشتار را به پایان می برم:

یا رَبِّ حَيِّ مَيِّت ذِکْره و مَيِّت یحیی بأخباره
لیس بمیّت عند اهل النّهی من کان هذا بعض آثاره